

بررسی و تجزیه و تحلیل تئوریک حرفه‌ی طراحی صنعتی* با محوریت نظریات چهار تن از نظریه پردازان مشهور این رشته

دکتر احمد ندائی فرد**

استادیار گروه آموزشی طراحی صنعتی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۲/۲۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۲/۵)

چکیده

این نکته که آیا طراحی صنعتی یک تخصص است که منطبق با سیستم فکری دیگر رشته‌ها اعمال می‌گردد و یا اینکه تخصصی است که استحقاق داشتن یک متدولوژی مختص به خود را دارد، سؤالی است که بیش از دو دهه ذهن نظریه پردازان این حرفه را به خود مشغول داشته است. اکنون بنظر میرسد که زمان آن فرا رسیده باشد که طراحی صنعتی به عنوان یک حرفه، تخصص و دانش مستقل مدنظر قرار گیرد. بطور کلی یک رشته تخصصی و یا یک شاخه علمی مستقل شامل تاریخچه، نقد و نظریه می‌گردد و آنچه که در تبیین و تعریف ماهیت هر رشته علمی اهمیت دارد، ارتباط و نحوه تعامل این سه بخش تشکیل می‌دهد. نکته بررسی چگونگی ارتباط و تعامل بین نظریه و عمل می‌باشد که بر اساس ویژگی‌های حرفه طراحی صنعتی مورد مطالعه قرار گرفته است. در این مقاله با چنین دیدگاهی، تخصص و حرفه طراحی بطور کلی به دو حوزه‌ی زیر تقسیم می‌گردند: - حوزه تخصصی طراحی، - حوزه غیرتخصصی طراحی. همچنین از دیدگاه متدولوژی با تجزیه و تحلیل نظریات چهار نظریه پرداز بنام حرفه‌ی طراحی صنعتی به نام‌های: Richard Buchanan, Victor Margolin, Nigel Cross, Guie Bonseipe، به تبیین و تعریفی دقیق مبانی نظری حرفه طراحی صنعتی از منظر این افراد پرداخته و به عنوان بخشی از متدولوژی پژوهش، واژگان کلیدی از محتوای آثار استخراج شدند.

واژه‌های کلیدی

مطالعات طراحی، عمل طراحی، تئوری طراحی، حرفه طراحی.

* این مقاله براساس نتایج حاصله از طرح پژوهشی با عنوان "بررسی و تجزیه و تحلیل تئوریک حرفه‌ی طراحی صنعتی با محوریت نظریات چهار تن از نظریه پردازان مشهور این رشته" با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا (س) تدوین گردیده است.

** تلفن: ۰۹۱۲۲۷۰۶۹۳۵، نامبر: ۰۲۱ - ۸۸۰۳۵۸۰۱، E-mail: nedaei@gmx.net

مقدمه

و در نهایت نتیجه این دوا بخش را می توان در ارائه یک مدل مفهومی برای زیربنای نظری طراحی صنعتی و معرفی این تخصص به عنوان یک دانش و علم از طریق مدل مذکور مشاهده نمود. در جهت دستیابی به نتایج و اهداف بیان شده در بخش مقدمه، ابتدا به بررسی دقیق نمونه های معروف و مطرح پژوهش های علمی منتشر شده در حرفه طراحی صنعتی اقدام گردید. سپس چهار نفر از میان پژوهش گران و نظریه پردازان مورد مطالعه، انتخاب گردیدند. این چهار پژوهشگر تاثیرات نسبتاً عمیقی در روند نظریه پردازی حرفه طراحی صنعتی برجای گذاشته اند و توانسته اند آثار بیشتری در زمینه پژوهش و مباحث نظری منتشر نمایند و به عبارتی می توان با مطالعه و بررسی آثار این چهار نفر به اهم نظریات و تئوری های موجود در حرفه طراحی صنعتی از آغاز تا کنون واقف گردید. این چهار پژوهشگر به نام های زیر معرفی می گردند:

Richard Buchanan, Victor Margolin, Nigel Cross,
Guie Bonseipe

بحث درباره بسط و توسعه تفکر در حوزه طراحی صنعتی از چند دهه گذشته وجود داشته است. اما این مباحث از اواخر دهه ۱۹۸۰ پررنگ تر گردید و با سمپوزیوم دانشگاه ایالتی شیکاگو^۱ شتاب گرفت. سپس با برگزاری سمپوزیومی دیگر در سال ۱۹۹۸ با عنوان "سمپوزیوم توسعه و مدیریت برنامه ی دکترای طراحی صنعتی" در دانشگاه ایالتی اوهایو، فعال گردید (Margolin 1995, 39 and Buchanan,). هم اکنون این موضوع در زمره مهمترین عناوین در مباحث مربوطه در حرفه طراحی صنعتی در دنیا می باشد. بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، در سطح استراتژیک بامقوله طراحی صنعتی مواجه می اشند که این امر تأکیدی است بر توسعه و بسط روزافزون نظریه پردازی نسبت به کارهای صرفاً عملی در حرفه طراحی صنعتی. این مقاله از چنین دیدگاهی به بسط و توسعه تفکر طراحی می پردازد. قابل ذکر است که توسعه و بسط تفکر در حرفه طراحی صنعتی خود حاصل پژوهش پژوهشگران این حرفه می باشد و عمدتاً در دو محور می توان آنها را دسته بندی کرد:

- تعریف دوباره تخصص و حرفه طراحی صنعتی
- تعریف و تبیین ارتباط و نحوه تعامل بین بخش نظری و عملی در حرفه طراحی صنعتی

۱- تجزیه و تحلیل مفاهیم کلیدی

به عنوان بخشی از متدولوژی پژوهش، مفاهیم کلیدی از محتوای آثار و متونی که از چهار نظریه پرداز فوق به چاپ رسیده اند، استخراج شدند^۲ (Buchanan, 1995). سپس این مفاهیم کلیدی برای تعیین و تبیین نکات اشتراک و تفاوتشان مورد مقایسه قرار گرفتند. محتوای آثار و متون این پژوهشگران بسیار گسترده و با واژگان متنوع و متفاوتی تدوین شده بودند، اما سعی گردید تا مفاهیم کلیدی که جهت مقایسه در این مقاله بکار می روند، متناسب با هدف و ساختار مقاله باشند. در بسیاری از موارد خصوصاً در بخش نظریه پردازی، این پژوهشگران باهم اتفاق نظر دارند. هرچند که این اتفاق نظر برحسب مورد دچار شدت و ضعف می گردید و هرگاه از بخش نظریه پردازی به بخش کاربرد و عمل به آن نظریه ها و تبدیل نظریه ها به راهبرد، مراجعه می گردید، این اتفاق نظر بسیار کمتر و کمرنگ تر می شد.

مفاهیم کلیدی استخراج شده از آثار چهار پژوهشگر در جدول ۱ ارائه گردیده اند. دو رویکرد اصلی از بررسی این مفاهیم قابل تفکیک و تشخیص می باشند که عبارتند از:

الف- گسترش و بسط تفکر طراحی

ب- راستا و متدولوژی (روش شناسی کار عملی طراحی)

این دو رویکرد به تفکیک اجزاء تشکیل دهنده هر کدام، در جدول ۲ مشخص گردیده اند.

دیدگاه های هریک از این چهار پژوهشگر، حاصل پیش زمینه دانشگاهی نسبتاً متفاوت آنها است. Richard و Victor Margolin Buchanan مفهوم طراحی را بصورت کاملاً گسترده و جامع توضیح می دهند و آن چیزی که در تفکر این دو نفر نقش کاملاً بنیادین و محوری دارد عبارت است از، دانش و نظام مندی در تفکر و حرفه طراحی. از طرف دیگر به نظر می رسد که Gui Bonseipe و Nigel Cross به دنبال جایگزین های عینی و ملموس تری با در نظر گرفتن جنبه های کاربردی آنها می باشند.

مفاهیم کلیدی استخراج شده از آثار چهار پژوهشگر در جدول ۱

جدول ۲- کاربرد تفکر طراحی در دو حوزه حرفه ای و غیر حرفه ای.

جهت دهی توسعه و تفکر طراحی (حرفه ای)		بسط تفکر طراحی (غیر حرفه ای)	
تفکر طراحی	مفصلانه	حرفه ای- غیر حرفه ای	عدم قطعیت
		تناسب و تعامل بین تئوری و عمل	تکنر گرایبی
مبتدوئوزی	مشکله	هوش (دانش)- تئوری	دانش طراحی
		خلاقیات و الهام	هنرهای مدرن
مبتدوئوزی	مشکله	متدولوژی حل مشکل	علوم تکمیلی
		ساختوری	هسته مرکزی تفکر طراحی
مبتدوئوزی	مشکله	تاریخ طراحی صنعتی	سیستم آکادمیک طراحی
		قابلیت طراحی- قضاوت- عمل	متدولوژی مطالعات طراحی
مبتدوئوزی	مشکله	Interface	انسانیت
		رسانه	حیات معنوی
مبتدوئوزی	مشکله	تفکر مولد	محیط اطراف محصول
		تفکر مقایسه ای	الگوی مصرف و بازار
مبتدوئوزی	مشکله		تمايز
			فراگیری

جدول ۱- مقایسه مفاهیم کلیدی آثار چهار پژوهشگر.

نام پژوهشگر	مفاهیم پایه
Richard Buchanan	عدم قطعیت-سختوری- شعر- هنرهای مدرن- علوم تکمیلی- انسانیت- حیات معنوی- تکنر گرایبی- تفکر طراحی- قضاوت
Victor Margolin	عمل- محیط اطراف محصول- محدودیتها- حرفه ای و غیر حرفه ای- الگوی مصرف- بازار- تاریخ طراحی صنعتی- محسوس- نامحسوس
Gui Bonsiepe	اینترفیس- طراحی محیطی- فراگیری- تئوری و کار عملی طراحی- هوش- دانش- محسوس بودن- رسانه- فن آوری- آگاهانه
Nigel Cross	متولوژی- مطالعات طراحی- قابلیت طراحی- تئوری زیربنایی- خلاقیات- الهام- متولوژی حل مشکل- سیستم- آکادمیک- تمايز

۱-۱- پیشرفت و بسط کیفی تفکر طراحی

طراحان صنعتی ابتدا به صورت مشهود در دهه ۱۹۶۰ تلاش های خود را در حوزه تفکر طراحی آغاز نمودند. بطور بنیادین، پیشرفت و بسط تفکر طراحی از پیدایش درک صحیح از ماهیت اشیاء شروع گردید و سپس با شناخت عصر مدرن و پیشرفته صنعتی به سمت ایجاد تفاهم و درک واقع بینانه نسبت به روابط اجتماعی در جامعه و فرهنگ و احساسات انسان ها پیش رفت. از این محدوده زمانی به بعد طراحان متوجه گردیدند که مباحث طراحی، دیگر در محدوده کوچک و تنگ قدیمی طراحی نمی گنجد. این تحول هم در حوزه دانش و تخصص طراحی و هم در دیگر حوزه ها و تخصص ها به وقوع پیوست (Margolin, 2002).

در این مقاله با چنین دیدگاهی، تخصص و حرفه طراحی بطور کلی

در دو حوزه:

- حوزه تخصصی طراحی (حرفه ای)

- حوزه غیرتخصصی طراحی (غیرحرفه ای)

تقسیم می گردند (تصویر ۱- تقسیم بندی حوزه طراحی را نشان می دهد).

بررسی مفاهیم کلیدی استخراج شده نشان می دهد که مباحث مطرح شده در زمینه تفکر طراحی غالباً در حوزه های غیرتخصصی (غیرحرفه ای) طراحی اتفاق افتاده اند و در بسیاری از موارد از مباحث غیر تخصصی (غیرحرفه ای) به محدوده عمومی طراحی نیز تنزل پیدا نموده اند. حوزه های غیرتخصصی در حال حاضر در محدوده های مختلف طراحی جای گرفته اند و به گونه ای فزاینده در حال بسط و گسترش می باشند و تاثیرات مخربی نیز بر روی

دیگر حوزه های تخصصی طراحی اعمال می کنند. پس آیا می توان ادعا نمود که حرفه طراحی تدریجاً در حال پراکنده و تجزیه شدن می باشد؟

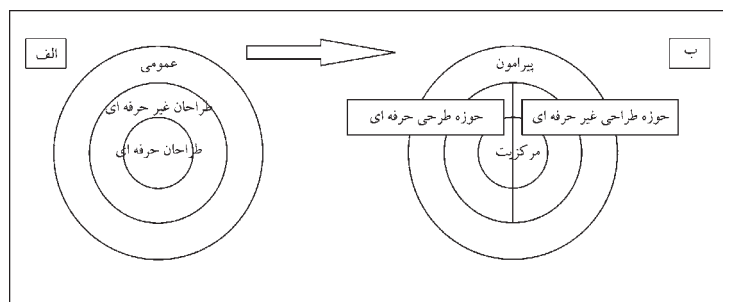
تصویر ۱ نشان می دهد که محتوا از مفهوم سنتی حوزه طراحی (الف) به مفهوم امروزی آن (ب) تغییر پیدا کرده است. می توان این تغییر را به گونه ی زیر دسته بندی نمود:

- پیشرفت و بسط کمی تفکر طراحی که عده بیشتری به آن علاقه مندند و دانش و علاقه بیشتری را نسبت به حرفه طراحی نیاز دارد.

- بسط کیفی تفکر طراحی به وسیله گروه هایی از متخصصان و افراد غیرحرفه ای که درک عمیق تری دارند یا تحلیل دقیق تری ارائه می دهند و قدرت ادراک اجتماعی- فرهنگی بالاتری را دارا بوده و امکان اتصال به علوم مرتبط را نیز دارند.

همچنین می توان در ارتباط با محور اصلی این پژوهش به نقاط مشترک چهار پژوهشگر منتخب نیز اشاره نمود. نکته ای که از بررسی و تجزیه و تحلیل نظریات پژوهشگران حرفه طراحی خصوصاً این چهار نفر آشکار می گردد عبارت است از: وجود تلاش ها و فعالیت های منقطع و پراکنده در جهت بسط دانش و تفکر طراحی، بدین معنی که در طول زمان نمی توان یک حرکت فراگیر، دامنه دار و یکنواخت را در زمینه تفکر طراحی مشخص نمود.

نکته مهم دیگری که مشهود می گردد این است که مرکزیت و محوریت تفکر طراحی تا حدود زیادی از مباحث غیرحرفه ای طراحی تشکیل می گردد. در اینجا لازم به تذکر است که قرار گرفتن مباحث غیرحرفه ای در مرکزیت مباحث تفکر طراحی، به هیچ وجه موجب تبدیل آنها به مباحث حرفه ای نخواهد شد و همچنین مباحث زیرمجموعه تفکر طراحی و نوع و محل قرارگیری آنها در بدنه تفکر، ارتباطی به تعریف این حرفه و تخصص ندارد.



تصویر ۱- طبقه بندی حوزه های طراحی.

مأخذ: (Cross, 1995)

جدول ۳- طبقه بندی نظریات پژوهشگران از دیدگاه توسعه تفکر طراحی.

پژوهشگر	عمده ترین بخشهای بسط تفکر	هدف	راهکار
Richard Buchanan	قطعیت $\langle \dots \rangle$ عدم قطعیت	علوم جدید روز به عنوان زیربنای اصلی در موضوعات طراحی	حرکت مفهومی
	کمال $\langle \dots \rangle$ تکثر و تنوع		
	ماده (متریال) $\langle \dots \rangle$ معنویت (انسانیت)		
	ادبیات $\langle \dots \rangle$ سخنوری		
Victor Margolin	محسوس $\langle \dots \rangle$ نامحسوس	نظام مندی برقراری ارتباط و یکپارچگی و تناسبات بین اجزاء	حرکت مفهومی و تاریخی
	حرفه ای $\langle \dots \rangle$ غیر حرفه ای		
	زیبایی شناسی $\langle \dots \rangle$ محوریت مصرف کننده		
	نظام مندی محصول $\langle \dots \rangle$ محوریت محصول		
Gui Bonsiepe	متخصص $\langle \dots \rangle$ همه کاره	Interface به عنوان دانش زیربنایی	حرکت عملی
	نشانه کلامی (زبان) $\langle \dots \rangle$ نشانه بصری		
	عمل طراحی $\langle \dots \rangle$ تئوری طراحی		
Nigel Cross	تفکر قیاسی $\langle \dots \rangle$ تفکر مولد	شکل دهی یک تخصص مستقل در بطن توانمندیهای طراحان	حرکت منطقی و عملی
	فراارشته ای $\langle \dots \rangle$ تخصص مستقل		

(1969). این درحالی است که Buchanan می‌گوید: "این پیچیدگی به این علت است که طبیعت ذاتی طراحی به عنوان علم محض و دارای خصوصیات نوین و آزادانه هنری، با علوم دیگر تفاوت دارد و طراحی پدیده‌ای نیست که نتوان آن را تعریف و حل کرد." از این رو برای حل این گونه پیچیدگی‌ها لازم است که پژوهش‌هایی در زمینه علم طراحی انجام شود تا ساختار پیچیده طراحی و نحوه تعامل تفکر و دانش طراحی در طراحی اشیاء ادراک گردد.

Buchanan همچنین بر بنیان مشترک و یکسان طراحی پافشاری می‌کند که می‌تواند در تمامی جوانب مختلف طراحی و همه اشیاء و محصولات که باید طراحی شوند به کار گرفته شود (Buchanan, 1995). جدول ۳ نشان می‌دهد که این چهار پژوهشگر چگونه مفهوم طراحی را تعریف کرده و بسط می‌دهند.

۱-۱-۲ بسط و گسترش تفکر طراحی از تخصص به سوی عمومیت (همه کاره بودن) - گذر از حوزه تخصصی به حوزه عمومی و فرهنگی

آنچه که این چهار پژوهشگر به طور مشترک مدنظر دارند عبارت است از اینکه:

چگونه می‌توان یک استاندارد نوین طراحی تبیین کرد که در جهت یک طراحی همه کاره و جهانی، قابلیت کاربرد داشته باشد؟

اما پدیده طراحی همه کاره را نمیتوان فقط با تبیین یک استاندارد یا تعریف نوینی از طراحی توضیح داد. علت این مسئله آن است که متغیرها و افکار و نقطه نظرات مختلف و متفاوتی در شکل‌گیری این پدیده مداخله می‌کنند. که این تنوع و تفاوت آراء و افکار را می‌توان به خوبی از کثرت تغییراتی که مفاهیم و تعاریف از "طراحی"، درک نمود.

نکته ای که باید به خاطر داشت این است که تعاریفی که برای مفهوم عمل طراحی تاکنون ارائه گردیده اند در جهت ایجاد رفتاری

پیشرفت و بسط تفکر طراحی را میتوان در سه بخش عمده تقسیم نمود:

الف- بسط مفهوم طراحی

ب- بسط و گسترش محدوده تخصص به عمومیت (فراگیری)

ج- بسط و گسترش دامنه فعالیت طراحی (عمل)

همچنین تفسیر پاره‌ای از مفاهیم طراحی یا فعالیت‌های طراحی را می‌توان در قالب تحول و یا جایگزینی این مفاهیم مشاهده نمود. در جدول ۳ تشریح مهمترین مفاهیم بسط داده شده توسط این چهار پژوهشگر ارائه می‌گردند.

بر اساس نظریات هر پژوهشگر، در متدولوژی و رویکردها، تفاوت‌هایی وجود دارد، اما ساختار حوزه‌های زیربنایی طراحی به عنوان یک مفهوم جدید، مشترک می‌باشد.

۱-۱-۱- بسط مفهوم طراحی

نه تنها در حوزه آکادمیک، بلکه در میان عموم مردم جامعه و بخش‌های مختلف فرهنگی جامعه، مفهوم طراحی در حال بسط و پیشرفت است. افکار عمومی در مورد طراحی در هر عصر همگام با تغییرات زمانه و گاهی در تعارض با مفاهیم قبلی در مورد یک طراحی واحد، تغییر کرده‌اند. مفهوم طراحی که به اشکال مختلفی ارائه گردیده است، به صورت مرکزی و محوری در حرفه طراحی، در مقاله ای به نام "The science of the artificial" نوشته Simon مورد بحث قرار گرفته است و این مقاله به عنوان پاسخی قلمداد گردید:

- آیا فعالیت‌هایی که طراحی نامیده می‌شوند، می‌توانند به صورت یک مفهوم واحد تعریف گردند؟

در این مقاله به دو ویژگی اصلی حرفه طراحی (از دیدگاه Simon) یعنی "تنوع" و "ابهام" پرداخته شده و حرفه طراحی به عنوان تخصصی که تعیین میکند اشیاء چگونه باید باشند؛ و به دلیل کیفیت مبهم آن، پیچیده و غیرقابل درک توصیف گردیده است (Simon)

به منظور مستحکم نمودن مرکزیت حرفه و تخصص طراحی باید ابتدا گستردگی حد و مرزهای آن تعیین گردد. به بیانی واضح تر در حال حاضر چرخش و گرایش رو به رشد به سمت حرفه طراحی ایجاد گردیده که هدایت و کنترل آن بسیار دشوار بوده و در نهایت موجب کاهش کیفیت تخصصی حرفه طراحی می‌گردد. البته Margolin در اظهار نظری که در مورد کیفیت تخصصی داشت، بیان ابهام آمیزی دارد. وی در مورد کیفیت تخصص اظهار می‌دارد:

«ارتباطی که من بین طراحی، پروژه و عمل برقرار می‌کنم در بکار بردن واژه طراحی از نگاه بسیاری از همکاران، بیش از حد آزادانه تر است. ولی من در پی شناخت طراحی به عنوان جزء بنیادین تمامی اعمال انسانی هستم. با این وجود علاقه من در این است که تمایزهای موجود در جامعه، بین طراحان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای را مورد سؤال قرار داده و به بررسی تفاوت‌های موجود در فضاهای اطراف که حاصل کنار هم قرار گرفتن محصولات طراحی شده توسط این دو گروه از طراحان است، بپردازم.»^۵

با توجه به اظهارات Margolin تلاش می‌گردد تا در این پژوهش دیدگاه‌های متفاوتی در تعریف و تفسیر کیفیت‌های تخصصی حرفه طراحی ارائه گردد. البته باید اذعان داشت که دانش و تکنولوژی طراحان حرفه‌ای، موضوعی است که عمیق تر و وسیع تر از سطح دانش عموم مردم است و تنها پس از طی فرایند آموزشی و تجربی ویژه‌ای حاصل می‌گردد. همچنین این دیدگاه Margolin محدوده اظهار نظر و دخالت درباره طراحی را بیش از حد وسعت می‌بخشد که این امر باز هم موجب ضعف تخصصی در این حرفه و کوچک شدن حوزه حرفه‌ای طراحی می‌گردد. با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی این نوشتار، ارائه تمایزی روشن بین حوزه‌های تخصصی و غیرتخصصی حرفه طراحی است، امید است تا بتوان با وضوح بیشتری به برقراری استانداردهایی در این زمینه دست یافت.

۱-۳-۳- تعامل نظریه و عمل در طراحی

۱-۳-۱- بخش عملی و بخش نظری در طراحی

حرفه طراحی به دو بخش ساختاری نظریه و عمل تقسیم می‌گردد. براساس نظریات Roskin John و William Moris در جنبش "Art and craft"، طراحی تنها عمل یا ساختن نیست، بلکه در بسیاری موارد مقوله "عمل" ابتدا از بخش کانسپت به بعد مطرح می‌گردد. از سوی دیگر این به این معنی نیست که در حرفه طراحی، نظریه و تئوری بر پایه عمل بنا نمی‌شود. در بحث تکامل دیالکتیکی بین نظریه و عمل به خوبی وجود هر دو بخش از ابتدا لمس می‌گردد. "Bauhaus" که یکی از پیشگامان مدارس آموزش طراحی است، مثال خوبی برای چنین ساختاری از حرفه طراحی است، که در آن آموزش حرفه طراحی آغاز گشته و پس از توسعه، آموزش آکادمیک این حرفه بنا می‌گردد. اگرچه که نظریه و عمل به صورت بنیادین مکمل یکدیگرند و یک ارتباط غیرقابل اجتناب و اساسی بین آنها برقرار است اما نمی‌توانند در مواردی، عاری از تعارض با یکدیگر باشند. همچنین این دو، نقش‌های متفاوتی را در حرفه طراحی صنعتی به عهده دارند ولی نهایتاً هر دو آنها هدف خدمت و اعتلای زندگی انسان را دنبال می‌کنند (Margolin, 1988).

بکار رفته‌اند که در حوزه طراحی تخصصی کاربرد داشته باشد. در صورتی که از این پس، این رفتار به دلیل بسط و گسترش شناخت طراحان و محیطی که با آن مواجه هستند، دستخوش تغییرات فراوانی می‌گردد.

۱-۳-۳- پیشرفت و بسط فعالیت طراحی (عمل)

مشاهدات طولانی و تجزیه و تحلیل پیشینه طراحی، امکان این اظهار نظر را فراهم می‌سازد که همه زمینه‌های مختلف فعلی را مانند خط مشی طراحی، مدیریت طراحی، طراحی فرهنگی، طراحی حساسیت، طراحی تجربه و غیره را می‌توان در حیطه عمل طراحی پذیرفت. البته هرکدام از این حوزه‌ها باید ابتدا مورد شناخت و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس در تخصص طراحی ادغام گردند. همچنین باید روشن گردد که این زمینه‌های گوناگون آیا به راستی با زمینه‌های زیرمجموعه حرفه طراحی مرتبط هستند و یا اینکه حاصل ابهام در مفهوم طراحی بوده و احتمالاً ناشی از درک نادرست و عدم وضوح زمینه‌های دیگری می‌باشند.

این نظریه که حرفه طراحی دربرگیرنده همه فعالیت‌های انسانی به عنوان پدیده‌هایی می‌باشد که در روند آنها باید فرد از بین چند گزینه، انتخابی را انجام داده و تصمیمی بگیرد، قانع کننده نیست. همچنین همواره این انتقاد وجود داشته که حرفه طراحی تلاش می‌کند هر تخصص مرتبط را با بسط دادن بیش از اندازه، در حوزه طراحی قرار دهد. بنابراین حرفه طراحی نیاز دارد که ساختاری از دانش مختص به خود را بنا کند که هم به صورت متداول توسط طراحان بکار رود و هم امکان برقراری ارتباط با تخصص‌ها و حرفه‌های مرتبط را فراهم سازد (Bonsiepe, 2004).

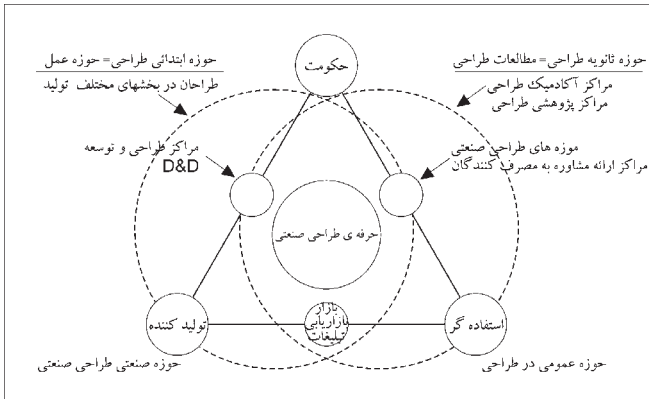
با لحاظ داشتن این مطلب، Nigel Cross اظهار می‌دارد:

«حرفه طراحی به عنوان یک رشته پژوهشی یا رشته‌ای که گمان می‌رود اینگونه باشد، شناخته شده است. ولی این بدین معنی نیست که پژوهشگران طراح، به حوزه‌های علمی دیگر به عنوان منابعی جهت پژوهش طراحی تکیه نکنند و اصرار ورزند که حرفه طراحی باید سیستم دانشگاهی مخصوص به خود را بنا نماید.»^۳

۱-۲- بازنگری در تعریف طراحی

این نگرش جدید که به طراحی به عنوان پدیده‌ای جهت بهینه سازی، رشد و تعالی فرهنگ بشری نگریسته شود، ناپستی موجب پایین آمدن کیفیت تخصصی و حرفه‌ای مفهوم واژه طراحی گردد. این احتمال وجود دارد که نگاه غیرتخصصی و از بیرون به پدیده طراحی، پژوهشگران را دچار این سوءتفاهم کند که فراگیری، عمومیت و جهانی شدن را جایگزین دیدگاه‌های حرفه‌ای و تخصصی طراحی صنعتی نمایند (Bonsiepe, 1995).

اشتباه بزرگی که در حال حاضر اتفاق افتاده است این است که مردم تصور می‌کنند که هرکس می‌تواند به راحتی طراحی کند. این اشتباه می‌تواند در بلندمدت پیامدهای فرهنگی و اجتماعی خطرناکی داشته باشد. این پدیده به معنی حرکت از تخصص به سمت عمومیت و فراگیری نیست بلکه بسط بی حد و مرز یک حرفه و نادیده انگاشتن مبانی و اصول اولیه یک تخصص است.



تصویر ۳- ساختار کلی بافت اجتماعی حرفه طراحی.
مأخذ: (Margolin, 1995)

چنین ساختار تفکیک شده ای وجود ندارد. عمل و اجراء در طراحی بایستی به عنوان یک زیرگروه از کل این مجموعه نگریسته شود، در غیر این صورت عمل طراحی، همه جوانب جامعه را در بر می گیرد و بدون امکان تفکیک از بقیه رشته ها و تخصص های دیگر، آنها را شامل شده و مفهوم طراحی با مفاهیم دیگر جامعه مخلوط می گردد. به همین علت است که باید در حوزه طراحی بین بخش های عمل و اجرا و تفکر و تئوری، تمایز روشن تری وجود داشته باشد.

Margolin زمانی اظهار داشت که "تولیدات در مقایسه با شخص طراح نقشی بزرگ تر و مهمتری در خدمت رسانی به عموم جامعه از جمله مصرف کنندگان را بازی می کند. اما با در نظر گرفتن اینکه حرفه طراحی نمی تواند اساساً عاری از فعل ساختن و تولید کردن، جریان پیدا کند، به نظر می رسد که طراح و تولیدات صنعتی نیز قابل تفکیک از یکدیگر نباشند" (۱۳۸، ۱۹۸۹).

در هر صورت، زمانی که این دو مفهوم که بسیار متفاوت هستند، در کنار هم قرار گیرند، موضوع این خواهد بود که آیا:

- باید بر روی ساختن یک شیء یا محصول تمرکز نمود، مثل کاری که یک طراح یا شخصی که به خلق صنایع دستی اشتغال دارد؟

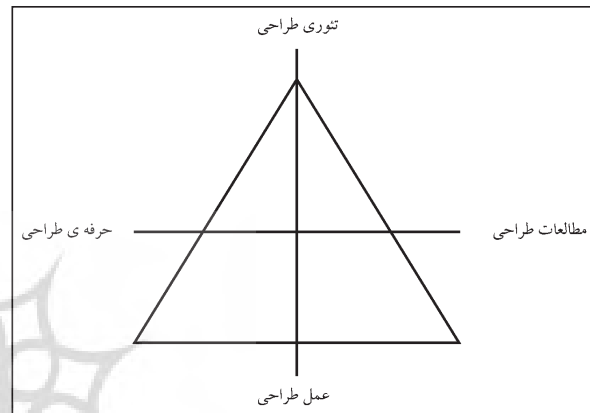
یا

- باید بر روی معنا و نقش آن مصنوع ساخته شده به صورت یک شیء و یا محصول تمرکز نمود؟

در تصویر ۲ این دو مفهوم به صورت جداگانه قابل رویت می باشد. همچنین می توان جایگاه هر کدام را در کل حوزه طراحی مشاهده نمود. دایره در مرکزیت تصویر ۳ می تواند به عنوان حرفه‌ی رشته‌ی طراحی صنعتی فرض شود و این در حالی است که مفهوم تثبیت شده در گذشته برای طراحی، بر روی عمل و اجرای طراحی متمرکز بوده است و نماینده آن نیز سرمایه گذاران تجاری بودند. آنچه که در مباحث و نظریات این چهار پژوهشگر مورد بحث و دقت قرار گرفته است، مطالعه و پژوهش در طراحی است و به کلامی دیگر، ارتباط و تعامل بین نظریه و عمل طراحی و اینکه مفاهیم استخراج شده از این موضوعات می توانند به عنوان یک مفهوم واحد و فراگیر جهت تعریف و تفسیر حرفه طراحی ارائه گردند.

۳-۱-۲- عمل طراحی- مطالعات طراحی

در تجزیه و تحلیل ارتباط بین بخش عملی و بخش پژوهشی طراحی بایستی ابتدا، سیستم آکادمیکی شکل گیرد که از کارهای عملی و اجرایی محض طراحی، قابل تشخیص و تفکیک باشد. پژوهش در مورد سیستم های آکادمیک طراحی در حوزه ای به نام "مطالعات طراحی" جزء یکی از موارد بسیار مهمی است که بدان توجه می گردد. در حوزه مطالعات طراحی به "طراحی" به عنوان یک موضوع پژوهشی نگریسته می شود و کارهای عملی طراحی و "تولیدات حرفه طراحی" را به عنوان هدف اصلی این حرفه در نظر می گیرند.



تصویر ۲- مطالعات طراحی- بخش عملی و اجزای طراحی و ارتباط بین تئوری و عمل در طراحی.

در تصویر ۲ ارتباط بین بخش عملی- اجرایی طراحی و بخش تئوری- مطالعاتی طراحی مشاهده می شود. مطالعات طراحی، کارهای عملی و تئوری طراحی، عملیات و اجرای آن می توانند در موقعیت هایی قرار گیرند که در عین تعامل با یکدیگر، هر کدام به صورتی مجزا، مورد بررسی و مقایسه با دیگر بخش ها قرار گیرند. در گذشته نظریه و تئوری طراحی در مقایسه با مطالعات طراحی و همچنین عمل طراحی در مقایسه با کل عملیات اجرایی طراحی، مرز بندی مشخصی نداشته و از یکدیگر به آسانی قابل تفکیک نبودند، که این امر موجب شده بود تا هیچ مفهوم واضحی در ساختار مطالعات طراحی وجود نداشته باشد. نکته قابل ذکر اینکه در مطالعات طراحی نیز متدلوژی های مختلفی در مواجهه با عمل طراحی وجود دارد و اینکه هیچ نظریه و تئوری ای نمی تواند بدون تعامل با بخش های عملی و اجرایی پایه ریزی گردد، همچنان که هیچ کار عملی و اجرایی نخواهد توانست بدون اتکا به نظریه ها و تئوری های قابل اتکا، عملیاتی شود.

۱-۴- استخراج مدل مفهومی

در تصویر ۳ ساختار کلی بافت اجتماعی حرفه طراحی مشاهده می گردد. البته ذکر این نکته ضروری است که اگر از کل حرفه طراحی فقط به بخش عملی و اجرایی آن توجه شود، دیگر امکان ارائه یک

نتیجه

- کیفیت، پیشرفت و بسط تفکر طراحی
- تحولات حوزه‌ی عملی طراحی
- درک رابطه‌ی متقابل دو بخش فوق

ضرورت ارائه تعریفی نو و به روز از تخصص طراحی، نتیجه‌ی پیشرفت تفکر در این حرفه می باشد و بالعکس، همچنین مشکلات حوزه عملی و اجرایی طراحی نیز خود موجبات پیشرفت تفکر را پدید آورده‌اند. بنابراین در این برهه از زمان باید بطور صحیح، مسیرتغییر و پیشرفت تفکر طراحی را درک کرد و سپس کیفیت عمل و اجرا را متناسب با آن پیشرفت، تعریف نمود. اظهارات Richard Buchanan و Victor Margolin می‌توانند شاخص‌های مفهومی درست و حائز اهمیتی باشند، اما در عین حال فراتر از مفهوم نرفته‌اند، زیرا در واقعیت بصورت کاربردی نمی‌توان مصادیقی برای آنها یافت. درمقایسه، اظهارات Gui Bonsiepe و Nigel Cross دلگرم کننده تر هستند، زیرا واقعی تر بوده و روش‌های کاربردی تری را دنبال می‌کنند.

در این نوشتار سعی گردیده است تا به مباحث مختلف مطرح در حوزه‌های نظری و عملی طراحی، نظری افکنده شود که این امر و استخراج عناصر مفهومی، در ساخت مدل مفهومی سیستم آکادمیک مطالعات طراحی، نقش بنیادینی دارد و سپس به شناسایی و تبیین روابط متقابل این عناصر مفهومی پرداخته شد. طراحی در ظاهر علی رغم ویژگی ابهام آلود بودن بعضی از مراحل آن، به دلایلی نامعلوم، روشن، قابل درک و آشنا به نظر میرسد و از آنجا که بنظر می‌رسد در جهت حل این تناقض، هیچ سرنخی وجود ندارد، توصیف این حرفه بسیار دشوار و پیچیده است. از سوی دیگر چهار پژوهشگر ذکر شده در این مطالعه، هر کدام راه‌های ویژه خود را ارائه نموده‌اند و اظهار می‌دارند که تعریف مفهوم طراحی و معرفی یک نظام کاربردی مبتنی بر دانش، کاملاً امکان‌پذیر می‌باشد. ویژگی‌های تفکر مفهومی حوزه طراحی شامل موارد زیر می‌گردد:

پی‌نوشت‌ها

- 1 Victor Victor Margolin, "The product Milieu and Social Action," Discovering Design, The University of Chicago Press, Chicago, 1995, 121
- 2 Richard Buchanan, "Wicked Problems in Design Thinking," The Idea of Design, MIT Press, 1995, pp. 3~20
Richard Buchanan, "Rhetoric, Humanism and Design," Discovering Design, The University of Chicago Press, Chicago, 1995, pp. 23~68
Richard Buchanan, "Design discipline of new liberal art," Design Education 2001, Hangaram Design Museum, 2001, pp. 74~83
Victor Margolin, "The product Milieu and Social Action," Discovering Design, The University of Chicago Press, Chicago, pp. 121~145
Gui Bonsiepe, (translated by Yoon, Wan-Hwa etc.), "Some Virtues of Design," design beyond Design, Sigong Art, Seoul, 2004, pp. 105-110
Gui Bonsiepe, (translated by Park, Hae-Chun), "Interface-New Approach of Design," Sigong Art, Seoul, 2003
National University, 2001, pp. 16~24
Nigel Cross, "Discovering Design Ability," Discovering Design, The University of Chicago Press, Chicago, 1995, pp.105~120
- 3 Richard Buchanan, "Rhetoric, Humanism and Design," Discovering Design, The University of Chicago Press, Chicago, 1995, pp.61~115
Richard Buchanan, "Wicked Problems in Design Thinking," The Idea of Design, The MIT Press, 1995, pp. 3~20
Victor Margolin, "The Politics of Artificial," The Politics of Artificial, The University of Chicago Press, 2002, 106
- 4 Nigel Cross, "Discovering Design Ability," Discovering Design, The University of Chicago Press, Chicago, 1995, pp.105~120
- 5 Victor Margolin, "The product Milieu and Social Action," Discovering Design, The University of Chicago Press, Chicago, 1995, pp.121~145.

فهرست منابع

- Bonsiepe, Gui(2004), *Some Virtues of Design*, design beyond Design,(translated by Yoon, Wan-Hwa etc.), Sigong Art, Seoul.
- Bonsiepe,Gui(1995), *Dall 'oggetto' Interfaccia*, Feltrinelli Editore, Milan.
- Buchanan, Richard(1995), *Rhetoric, Humanism and Design*, Discovering Design, the University of Chicago Press, Chicago.
- Buchanan, Richard(2001), *Design discipline of new liberal art*, Design Education 2001, Hangaram Design Museum.
- Cross, Nigel(1995), *Discovering Design Ability*, Discovering Design, The University of Chicago Press, Chicago.
- Cross, Nigel(2001), *Design/Science/Research: Developing a Discipline*, 5th Asian Design Conference Paper, Seoul National University.
- Margolin and Richard Buchanan ed., Victor(1995), *The Idea of Design*, The MIT Press, Cambridge, Massachusetts, London, England.
- Margolin ed., Victor(1989), *Design Discourse*, The University of Chicago Press, Chicago.
- Margolin, Victor(1995), *The product Milieu and Social Action*, Discovering Design, The University of Chicago Press, Chicago.
- Margolin, Victor(2002), *The Politics of The Artificial*, The University of Chicago Press, Chicago.
- Simon, Herbert(1969), *The Science of the Artificial*, The MIT press.

